

# بررسی تحلیلی نظام حقوقی حاکم بر جنایات و ضمانت اجرای آن در پرتو فقه و قوانین موضوعه

قسمت دوم



حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مصدق، عضو هیئت علمی دانشگاه و معاون اول قوه قضاییه

## چکیده

«ادله اثبات»، یکی از فروع بسیار مهم مباحث مربوط به «جنایات» می باشد. جنایت در مرحله «ثبوت»، هویتی است فارغ از ضمانت اجرای حقوقی مترتب بر آن که استمرار این وضع موجب خدشه دار شدن شئون فردی و اجتماعی مجنی علیه یا اولیای قانونی وی می باشد. از سوی دیگر، تحمیل مجازات جنایت بر جانی، فرع بر احراز انتساب جنایت بر اوست. بر اساس فصل چهارم از کتاب سوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با عنوان «راه های اثبات جنایت»، علاوه بر ادله احصایی در کتاب اول قانون (کلیات)؛ مشتمل بر «اقرار»، «شهادت»، «سوگند» و «علم قاضی»، «قسامه» نیز از جمله ادله اثبات جنایت و انتساب آن محسوب می شود. «قسامه» در معنای مصدری به معنای قسم خوردن و در معنای اسم مصدر به معنای سوگندها و یا قسم های زیاد بوده، در اصطلاح عبارت است از سوگندهایی که در صورت فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر و وجود لوث، شاکی برای اثبات جنایت عمد یا غیر عمد یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می نماید. در چنین فرضی، «قسامه» سبب قصاص یا دیه بوده و در تحمیل «تعزیر» بر مرتکب بی اثر است.

واژگان کلیدی: اثبات جنایت، دیه، لوث، قسامه، قصاص، انتساب



## گفتار اول - راه‌های اثبات دیه

ماده ۴۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقام بیان راه‌های اثبات دیه مقرر می‌دارد: «ادله اثبات دیه، علاوه بر قسامه، همان ادله اثبات دیون و ضمان مالی است». این ماده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ فاقد سابقه تقنینی است.

بر اساس ماده ۴۵۴ و نیز ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ادله اثبات دیه علاوه بر قسامه، همان ادله اثبات دیون و ضمان مالی است؛ بنابراین دیه مربوط به ضرب و جرح عمدی با سوگند قابل نفی و اثبات بوده، تشریفات آن مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی و مواد ۲۷۰ تا ۲۷۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است.

عبارت «راه‌های اثبات دیه» مندرج در ماده ۴۵۴ قانون مجازات اسلامی دارای ابهام است. آیا منظور، ادله اثبات کیفر دیه و حدود و ثغور آن است؟ برای مثال، اگر اصل وقوع جنایت با اقرار متهم یا شهادت شهود یا علم قاضی ثابت شده باشد لیکن در تحقق یا عدم تحقق توافق طرفین بر دریافت مبلغی کمتر یا بیشتر از میزان دیه شرعی و قانونی و یا مصالحه آنان بر امر غیرمالی یا عدم مصالحه آنان تردید باشد، آیا این امور از طریق قسامه یا سوگند قابل اثبات است؟ به عبارت دیگر، آیا اثبات خصوصیات جنایت اعم از عمدی، شبه عمدی یا خطای محض و نیز اثبات ادعاهایی مبنی بر تحقق تراضی یا مصالحه بر امر غیرمالی به جای قصاص یا دیه و یا تراضی و مصالحه بر دریافت مبلغی کمتر یا بیشتر از میزان دیه شرعی و قانونی، نیز از طریق قسامه یا سوگند میسر است؟ در پاسخ باید گفت قسامه صرفاً دلیل اثباتی جنایت و خصوصیات آن است نه

چیز دیگر؛ بنابراین منازعاتی از قبیل تحقق یا عدم تحقق توافق طرفین بر دریافت مبلغی کمتر یا بیشتر از میزان دیه شرعی و قانونی و یا مصالحه آنان بر امر غیرمالی یا عدم مصالحه آنان با قسامه قابل اثبات نیست.

ممکن است گفته شود با توجه به اینکه بخشی از ادله اثبات جنایت موجب دیه در فصل کلیات این قانون و بخشی دیگر در همین فصل (فصل سوم از کتاب چهارم قانون) آمده است، دیگر نیازی به این ماده نیست؛ لیکن با عنایت به ماهیت خاص «جنایت موجب دیه»، برخی از مصادیق آن؛ یعنی «جنایت خطایی محض و شبه‌عمد بدون تقصیر یا عمد مرتکب» صرفاً «جنایت» محسوب می‌شود نه «جرم». از این رو در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی<sup>(۱)</sup> صرفاً به «ادله اثبات جرم» اشاره شده است و شامل «ادله اثبات جنایت موجب دیه از نوع خطایی یا شبه‌عمدی» نمی‌شود؛ لذا مناسب است در ماده ۴۵۴ قانون مجازات اسلامی به عبارت «ادله اثبات جنایت بر نفس یا کمتر از نفس موجب دیه مقدر و غیرمقدر» تصریح شود.

بر اساس ماده ۴۵۴، اقرار شخص سفیه در خصوص تحقق جرمی که به رغم جنبه عمومی، مستوجب دیه نیز می‌باشد؛ مانند بی‌احتیاطی در رانندگی منتهی به ایراد صدمه بدنی غیرعمدی، نافذ نیست (ماده ۱۷۰ قانون مجازات اسلامی).

\*\*\*

## گفتار دوم - نصاب قسامه در قتل عمد و غیرعمد

قسامه به عنوان یکی از راه‌های اثبات جنایت، تنها در صورت فقدان ادله دیگر قابل استفاده است.

ماده ۴۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص نصاب قسامه مقرر می‌دارد: «قتل عمدی موجب دیه، به شرح مقرر در باب قصاص با قسم پنجاه مرد و قتل غیرعمدی با قسم بیست و پنج مرد، تنها در صورت حصول لوث و فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر اثبات می‌شود». در صورتی که به تعداد نصاب مقرر، مرد در دسترس نباشد، مجنی‌علیه اعم از مرد یا زن می‌تواند به اندازه نصاب لازم قسم را تکرار کند؛ بر خلاف قتل عمد موجب قصاص که تکرار قسم جایز نبوده، لزوماً باید پنجاه مرد قسم بخورند تا قصاص ثابت شود.

عبارت «قتل عمدی موجب دیه» به این معنا نیست که قتل عمدی موجب قصاص با قسامه ثابت نمی‌شود؛ زیرا بر اساس ماده ۳۱۲ همین قانون، کلیه جنایات اعم از عمدی و غیرعمدی با قسامه قابل اثبات است و ذکر عبارت «موجب دیه» صرفاً به این جهت است که موضوع بحث در این ماده، جنایت موجب دیه است و نه قصاص. شرایط و ضوابطی که برای اقامه قسامه در قتل عمدی موجب قصاص مقرر شده است، در مورد قسامه موجب دیه و نیز در قتل‌های شبه‌عمدی و خطای محض نیز لازم‌الرعایه است.

در مواردی که پرداخت دیه بر عهده عاقله است، او باید پرداخت کند و فرقی نمی‌کند که دیه با قسامه ثابت شود یا غیر آن. چنانچه در قتل خطای محض، پس از مطالبه اولیای دم، قاتل از اقامه قسامه امتناع نماید، خود مسئول پرداخت دیه خواهد بود.

در خصوص افراد مشمول عنوان «خویشاوندان و بستگان مدعی»، ماده ۲۴۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) از عبارت



«خویشان و بستگان نسبی مدعی» استفاده کرده بود و بر این اساس به ذهن متبادر می‌شد که منظور مقنن اشخاص مذکور در ماده ۸۶۲ قانون مدنی<sup>(۳)</sup> است. اداره حقوقی قوه قضاییه در تأیید این دیدگاه چنین اظهار داشته بود: «ماده ۲۴۸ قانون مجازات اسلامی به خویشان و بستگان نسبی ذکور مدعی اشاره نموده است؛ بنابراین اشخاص احصا شده در ماده ۸۶۲ قانون مدنی بستگان نسبی مدعی محسوب می‌شوند» (معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، ۱۳۸۸: ۷۷۴/۱). در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) واژه «نسبی» حذف شد و لذا به نظر می‌رسد که «خویشاوندان و بستگان مدعی» منحصر در افراد مذکور در ماده ۸۶۲ قانون مدنی نمی‌باشد؛ بلکه قدر متیقن آن است که افراد مذکور در آن مقرر «خویشاوندان و بستگان مدعی» هستند؛ بنابراین افزون بر افراد مذکور در ماده ۸۶۲ قانون مدنی، هر فردی مانند بستگان سببی که به قضاوت عرف در عداد خویشاوندان و بستگان محسوب می‌شود می‌تواند جزء نصاب قسامه قرار گیرد. در خصوص قابلیت احتساب سوگند زنان در نصاب قسامه، طبق صراحت ماده ۴۵۵ قانون مجازات اسلامی، قرار گرفتن سوگند زنان در نصاب قسامه مجوز شرعی و قانونی ندارد؛ مگر اینکه شاکی زن باشد که در این صورت طبق ماده ۳۳۷ این قانون،<sup>(۴)</sup> جزء نصاب محسوب خواهد شد.

حضور قسم‌خوردگان در یک زمان و اتیان سوگند از سوی آنها در یک جلسه دادگاه ضرورت ندارد و لذا شاکی الزامی به حاضر کردن یک باره قسم‌خوردگان ندارد. در این خصوص گفته شده است: «با عنایت به اینکه در مقررات قسامه قید نشده است

که تمام قسم‌خوردگان باید در جلسه ادای سوگند نمایند و با عنایت به اینکه جمع کردن پنجاه نفر در یک جلسه همواره میسر نیست و این امر نباید موجب تفویض و تضییع حق مدعی شود، لذا اجرای مراسم قسامه در جلسات متعدد فاقد منع قانونی و بدون اشکال است»<sup>(۴)</sup>.

شایان ذکر است؛ استمهال شاکی برای حاضر کردن قسم‌خوردگان در دادگاه بدون مانع است، همچنان که به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۵۶۶۹ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۷ اداره حقوقی قوه قضاییه: «چنانچه مدعی نتواند به تعداد لازم گواه برای قسامه معرفی کند و نخواهد اقامه سوگند را به مدعی علیه واگذار کند، می‌تواند از قاضی برای این منظور مهلت بخواهد. در این صورت قاضی می‌تواند به نظر خود مهلت مناسب به مدعی بدهد و در این فاصله با صدور قرار تأمین مقتضی، تکلیف متهم را روشن کند».

همچنین، قسامه باید توسط صاحب حق قصاص اقامه شود و به همین جهت چنانچه مقتول فاقد ولی دم باشد، ولی امر مسلمین از باب «ولایت نسبت به کسی که ولی ندارد» می‌تواند اقامه قسامه کند.

\*\*\*

**گفتار سوم- نصاب قسامه در جنایت بر اعضا و منافع**

ماده ۴۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص نصاب قسامه در جنایت بر اعضا و منافع مقرر می‌دارد: «در جنایت بر اعضا و منافع اعم از عمدی و غیرعمدی در صورت لوٹ و فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر، مجنی علیه می‌تواند با اقامه قسامه به شرح زیر، جنایت مورد ادعا را اثبات و دیه آن را مطالبه کند، لکن حق قصاص با آن ثابت نمی‌شود.

الف- شش قسم در جنایتی که دیه آن به مقدار دیه کامل است؛

ب- پنج قسم در جنایتی که دیه آن پنج‌ششم دیه کامل است؛

پ- چهار قسم در جنایتی که دیه آن دوسوم دیه کامل است؛

ت- سه قسم در جنایتی که دیه آن یک‌دوم دیه کامل است؛

ث- دو قسم در جنایتی که دیه آن یک‌سوم دیه کامل است؛

ج- یک قسم در جنایتی که دیه آن یک‌ششم دیه کامل یا کمتر از آن است.

تبصره ۱- در مورد هر یک از بندهای فوق در صورت نبودن نفرات لازم، مجنی علیه خواه مرد باشد خواه زن، می‌تواند به همان اندازه قسم را تکرار کند.

تبصره ۲- در هر یک از موارد فوق چنانچه مقدار دیه بیش از مقدار مقرر در آن بند و کمتر از مقدار مقرر در بند قبلی باشد، رعایت نصاب بیشتر لازم است».

**چند نکته مهم پیرامون این موضوع:**

۱- به قرینه ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ منظور از عبارت «فقدان ادله دیگر» در ماده ۴۵۶ اعم از ادله اقامه شده از سوی مدعی یا مدعی علیه است؛ زیرا بر اساس این ماده، اقامه قسامه از سوی مدعی صرفاً در صورتی تجویز شده است که مدعی علیه بر نفی اتهام از خود دلیلی ارائه ندهد.

۲- اصل بر آن است که قسم‌های مندرج در این ماده حسب مورد توسط افراد متعدد صورت پذیرد و صرفاً در مواردی که به تعداد لازم قسم‌خورنده یافت نشود، مجنی علیه می‌تواند برای تکمیل نصاب لازم، قسم را تکرار نماید.

۳- بر خلاف جنایت بر نفس، در جنایت بر اعضا و منافع، حق قصاص با قسامه قابل



در جرح عمدی مجنی علیه اقامه قسامه کند، قصاص عضو ثابت می شود. طبق این نظر، واژه «قصاص» در ماده ۲۰۸ شامل عضو نیز می شود و در نتیجه بین اطلاق این ماده و مدلول ماده ۴۵۶ تعارض به وجود می آید.

فقیهان در تعارض بین اطلاق و تقييد، دليل مطلق را حمل بر دليل مقيد می کنند تا با این شیوه جمع، به هر دو دليل عمل شده باشد؛ بنابراین طبق این دیدگاه، اطلاق ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی به وسیله ماده ۴۵۶ همین قانون تقييد خورده و منحصر به قصاص نفس می شود.

۸- طبق ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی» از ادله اثبات جرم است و طبق ماده ۴۵۶ قانون مذکور، در جنایت بر اعضا و منافع اعم از عمدی یا غیرعمدی، مجنی علیه می تواند با اقامه قسامه، جنایت مورد ادعا را اثبات و ديه آن را مطالبه کند، لکن حق قصاص با آن ثابت نمی شود. در نتیجه در جنایت بر اعضا، «قسامه» جنایت را ثابت می کند، اما چنین جنایتي که با قسامه ثابت شده، قابل قصاص نیست.<sup>(۶)</sup>

۹- در مواردی که جانی مرتکب ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به مجنی علیه شده و مجموع دیات تعیین شده بیش از ديه کامل مرد مسلمان است، فقه متقدمین و قانون ساکت و اقوال فقهای معاصر مختلف است:

نخست، جانی با یک ضربه چند جنایت وارد کرده است که سبب دیات مستقل شده است و مجموع دیات از ديه کامل بیشتر است.<sup>(۷)</sup>

دوم، مرتکب با چند ضربه چند جنایت وارد کرده است که هر یک ديه مستقل دارد و مجموع دیات آن از ديه کامل بیشتر است.

ماده ۲۰۸ قصاص نفس است و اطلاقی نسبت به اعضا ندارد تا زمینه تنافی و تضاد با ماده ۴۵۶ این قانون فراهم شود. در نتیجه بر اساس این نظریه تنافی بین این دو ماده وجود ندارد.

بر اساس ماده ۴۵۴ و نیز ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ادله اثبات ديه علاوه بر قسامه، همان ادله اثبات دیون و ضمان مالی است؛ بنابراین ديه مربوط به ضرب و جرح عمدی با سوگند قابل نفی و اثبات بوده، تشریفات آن مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی و مواد ۲۷۰ تا ۲۷۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است.

دوم، عده ای از فقیهان قسامه را در اعضا جاری می دانند و معتقدند با اجرای قسامه فقط ديه ثابت می شود؛ چه جنایت بر عضو به نحو عمد محقق شود و چه به صورت غیرعمد. این نظریه مورد اختیار قانون گذار قرار گرفته و ماده ۴۵۶ قانون مجازات اسلامی بر اساس آن تنظیم شده است. طبق این دیدگاه نیز بین دو ماده تعارضی وجود ندارد؛ زیرا مراد از قصاص در ماده ۲۰۸، خصوص قصاص نفس خواهد بود نه اعم از آن و ديه تا موجب تعارض با ماده ۴۵۶ شود.

سوم، برخی فقیهان گفته اند که بین نفس و اعضا تفاوتی نیست. همان گونه که جریان قسامه در نفس، توان اثبات قصاص در قتل عمد و ديه قتل غیرعمد را دارد، اجرای آن در اعضا نیز چنین است؛ بنابراین اگر

اثبات نمی باشد (خوئی، ۱۳۷۱: ۱۱۴)، در فرض امتناع مدعی علیه از اقامه قسامه پس از مطالبه آن از سوی مدعی، مدعی علیه به پرداخت ديه محکوم می شود.

۴- قسامه در جراحات به جز شرایط اختصاصی مذکور در این ماده، تابع شرایط قسامه در قتل است (موسوی خمینی، بی تا: ۵۳۰).

۵- پس از تحقق لوث، مدعی نمی تواند بدون مطالبه دليل بر نفی اتهام از مدعی علیه، اقامه قسامه کند. به صراحت ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی «در صورت حصول لوث، نخست از متهم مطالبه دليل بر نفی اتهام می شود. اگر دليلی ارائه شود، نوبت به قسامه شاکی نمی رسد و متهم تبرئه می گردد. در غیر این صورت با ثبوت لوث شاکی می تواند اقامه قسامه کند یا از متهم درخواست قسامه نماید».

۶- مفرد بودن کلمه «جنایت» در تمامی مواردش گانه به شرح احصایی در ماده ۴۵۶، دلالت بر لزوم اتیان سوگند برای اثبات هر یک از جراحات به صورت جداگانه و به تعداد حد نصاب همان جراحت نبوده، بلکه برای جنایات متعدد، یک نصاب (در صورتی که ديه مجموع آنها کمتر از یک ششم ديه کامل باشد) کفایت می کند.

۷- در باب تعارض ظاهری ماده ۴۵۶ قانون؛ موضوع قابلیت اثبات قصاص با سوگند با ماده ۲۰۸ قانون؛ موضوع صرف تحقق ديه با سوگند و به عبارتی جریان قسامه در اعضا، از سوی فقها سه دیدگاه ارائه شده است:

نخست، عدم جریان قسامه در اعضا؛ برخی از فقیهان، قسامه را فقط در قتل نفس مشروع می دانند و در اعضا مشروعیتی برای آن قائل نیستند. طبق این نظر، مراد از واژه «قصاص» در



در فرض نخست برخی فقها قائل به اقامه قسامه برای هر جنایت به طور جداگانه هستند و برخی دیگر قائل به اقامه یک قسامه شش‌تایی برای مجموع جنایات می‌باشند؛ حتی اگر مجموع دیات بیش از دیه کامل باشد. نظر به اینکه برخی از فتاوی‌ا ارائه شده بر لزوم یا ترجیح اقامه قسامه به شکل جداگانه برای هر یک از صدمات است و از سوی دیگر این امر مطابق با احتیاط بوده و با دیگر فتاوا نیز منافات ندارد، لذا در صورت امکان برای هر مورد باید به طور جداگانه اقامه قسامه شود.

در فرض دوم باید برای هر جنایت به صورت جداگانه اقامه قسامه شود.

با توجه به مطالب فوق، در تمام فروض پیش‌گفته باید مطابق احتیاط برای هر جنایت یک قسامه جداگانه اقامه شود. ۱۰- ماده ۴۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نصاب سوگند در قسامه جهت اثبات جنایت موجب دیه در اعضا را بیان کرده و تعداد قسم بر اساس میزان دیه به نسبت دیه کامل تعیین شده است. در این خصوص، در جنایت بر اعضای زن و نصاب سوگند جهت اثبات جنایت موجب دیه، دو دیدگاه فقهی مطرح است. مطابق دیدگاه نخست، نصاب قسامه زن و مرد در جراحات یکسان است. طبق دیدگاه دوم، تعداد قسامه در جراحات بر زن همچون دیه نصف جراحات مرد است.

به نظر می‌رسد منظور از دیه کامل در این ماده، حسب مورد دیه کامل مجنی‌علیه یا مجنی‌علیها است. در نتیجه بر اساس بند «الف» این ماده، در جنایتی که دیه آن به مقدار دیه کامل است، صرف نظر از اینکه مجنی‌علیه مرد باشد یا زن، شش قسم لازم است.

۱۱- نظر به اینکه مقصود مقنن از اصطلاحات حاکم و قاضی در مبحث قسامه در قانون مجازات اسلامی قاضی دادگاه است، نه قاضی مرحله تحقیقات مقدماتی نظیر؛ دادیار، بازپرس و دادستان، لذا قضات دادسرا با احراز لوث باید پرونده را با تنظیم صورت‌جلسه و بدون اظهارنظر در ماهیت امر، برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم به دادگاه صالح ارسال دارند.



**حضور قسم‌خوردگان در یک زمان و اتیان سوگند از سوی آنها در یک جلسه دادگاه ضرورت ندارد و لذا شاکی الزامی به حاضر کردن یک باره قسم‌خوردگان ندارد. در این خصوص گفته شده است: «با عنایت به اینکه در مقررات قسامه قید نشده است که تمام قسم‌خوردگان باید در جلسه ادای سوگند نمایند و با عنایت به اینکه جمع کردن پنجاه نفر در یک جلسه همواره میسر نیست و این امر نباید موجب تفویض و تضییع حق مدعی شود، لذا اجرای مراسم قسامه در جلسات متعدد فاقد منع قانونی و بدون اشکال است.»**



(استثنای قسمت آخر این ماده) اعمالی که از صغیر یا مجنون سر زده، منتسب به ولی یا قیم باشد نه محجور؛ مانند اینکه ولی یا قیم، مولی‌علیه خود را به اقداماتی وادار کند که موجب مسئولیت باشد که در این صورت قسم متوجه آنان است.<sup>(۸)</sup>

\*\*\*

### گفتار چهارم- مطالبه قسامه از مدعی‌علیه توسط مدعی

به موجب ماده ۴۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «اگر مدعی به ترتیب فوق اقامه قسامه نکند، می‌تواند از مدعی‌علیه مطالبه قسامه کند و در این صورت مدعی‌علیه با قسامه تبرئه می‌شود».

#### چند نکته پیرامون این موضوع:

۱- در صورتی که مدعی اقامه قسامه نکند و از مدعی‌علیه مطالبه قسامه کند، چنانچه مدعی‌علیه از اقامه قسامه امتناع ورزد، به پرداخت دیه محکوم خواهد شد.

۲- تشریفات اجرای قسامه توسط مدعی‌علیه همان است که برای اجرای آن توسط مدعی مقرر شده است.

۳- اگر مدعی اقامه قسامه نکند و از مدعی‌علیه هم مطالبه قسامه نکند، به نظر می‌رسد لازم است، دادگاه حکم برائت متهم را صادر نموده، در فرض محبوس بودن زندانی، او را آزاد کند.

\*\*\*

### گفتار پنجم- شمول مقررات کتاب قصاص به سوگند در قسامه

به موجب ماده ۴۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «مقررات سوگند در قسامه همان مقررات کتاب قصاص است».

#### نکات مربوط به این ماده:

۱- منظور از مقررات سوگند، مقررات شکلی و ماهوی است که در مواد ۲۰۱ لغایت ۲۱۰ این قانون آمده است.

۱۲- هر چند در امور حقوقی طبق ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی، قسم جزء ادله اثبات دعواست، ولی با عنایت به مقررات ماده ۱۳۲۷ همان قانون، مدعی یا مدعی‌علیه در صورتی می‌تواند از طرف دیگر تقاضای قسم کند که عمل یا موضوع دعوا منتسب به شخص طرف باشد و به همین علت در دعاوی بر صغیر و مجنون نمی‌تواند قسم را بر ولی یا وصی یا قیم متوجه کرد، جز



۲- نکول از سوگند وقتی محقق می‌شود که دلیل یا قرین‌های علیه متهم وجود نداشته، متهم منکر دخالت در وقوع جرم بوده، قسم قانوناً متوجه او باشد؛ مانند بزه موضوع ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی<sup>(۹)</sup> و دیگر مواردی که دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم با سوگند اثبات می‌شود ولی متهم از سوگند امتناع می‌کند. در این موارد مرتکب به پرداخت دیه محکوم خواهد شد؛ اما نکول از قسامه وقتی است که قرائن ظنی علیه متهم وجود دارد و از موارد لوث محسوب می‌شود و طبق ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲<sup>(۱۰)</sup> شاکی از متهم درخواست قسامه می‌کند. در چنین صورتی اگر متهم از قسامه نکول کند، طبق ماده ۳۱۹<sup>(۱۱)</sup> قانون پیش گفته به پرداخت دیه محکوم می‌شود.<sup>(۱۲)</sup>

#### پی‌نوشت‌ها

- ۱- ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی: «دله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است».
- ۲- ماده ۸۶۲ قانون مدنی: «اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند: ۱- پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد؛ ۲- اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها؛ ۳- اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها».
- ۳- ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «سوگند شاکی خواه مرد باشد خواه زن، جزء نصاب محسوب می‌شود».
- ۴- نظریه مشورتی شماره ۷/۷۶۹۱ مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ اداره حقوقی قوه قضاییه؛ همچنین است نظریه مشورتی شماره ۷/۶۰۸۵ مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۱ همان مرجع: «برای اجرای قسامه قانوناً حضور تمام قسم‌خوردگان در یک جلسه ضرورت ندارد».
- ۵- ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵: «هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود».
- ۶- نظریه مشورتی شماره ۷/۵۷۶ مورخ ۱۳۹۴/۳/۵ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۷- آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی: «برای هر کدام از منافع قسامه مستقلاً انجام گیرد. جمادی الاول ۱۴۲۹ هـ. ق».
- آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی: «مانند جواب سابق است و توجه داشته باشید تکرار اثری ندارد بلکه باید نفقات متعددی حاضر کند و یک قسامه برای یک جنایت منجر به چند دیه کافی است (۱۳۸۷/۲/۸)».
- آیت‌الله العظمی سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی: «در فرض مزبور یک قسم شش تایی کافی است و زیاده لازم نیست (۱۳۸۷/۵/۲۰)».
- سؤال:** در فرضی که شخص متهم به وارد کردن جنایت با ایراد ضربه واحد، موجب چندین نقص و جنایت در مجنی علیه شده باشد و موضوع از موارد لوث تشخیص داده شود، بفرمایید: الف- آیا برای اثبات و انتساب هر یک از جنایات به متهم، مجنی علیه باید جداگانه و تا حد نصاب مورد نظر آن جنایت سوگند یاد کند یا اینکه یک قسامه برای ایراد صدمه‌های متعدد کافی است؟ ب- آیا در فرض فوق باید موردی که بیشترین دیه را دارد ملاک عمل قرار داد و مجنی علیه تا حد نصاب آن سوگند یاد کند تا دعوی وی برای تمام موارد اثبات شود؟
- آیت‌الله العظمی محمد تقی بهجت (ره): «الف- اگر وحدت ضربه و انتساب همه جراحات به آن ثابت است و جانی معلوم نیست یک قسامه کافی است. ب- بلی اگر یک قسامه اجرا می‌کند (۱۳۸۲/۸/۱۶)».
- آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی: «الف- هر جنایت که ادعا شده باید اقامه قسامه بر آن بشود و اگر به طور کلی قسامه بر ایراد جنایات متعدد اقامه کند مجزی نیست یعنی جنایت خاصه ثابت نمی‌شود تا دیه آن را بدهد. آری لازم نیست در هر یک از افراد جنایت قسامه خاصی باشد یا آنکه بر هر یک از جنایات

#### فهرست منابع

- ۱- خوئی، سیدابوالقاسم، **مبانی تکمله المنهاج**، جلد ۲، نشر بغداد، ۱۳۷۱
- ۲- معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، **مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری**، جلد ۱، تهران: روزنامه رسمی، چاپ دوم، ۱۳۸۸
- ۳- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، **تحریر الوسیله**، جلد ۲، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ نخست، بی‌تا